

بِسْمِ اللّٰهِ الرَّحْمٰنِ الرَّحِیْمِ

# انواع ادبی سال سوم

سال تحصیلی ۲۰۲۳ - ۲۰۲۴

د. فہری اوامر سلیمان

## هدف کلی درس انواع ادبی :

- ❖ آشنایی با انواع ادبی در دنیا
- ❖ چگونگی استقلال یا ارتباط آثار ادبی با یکدیگر

## موضوع اصلی درس انواع ادبی :

- ❖ طبقه بندی ادبیات
- ❖ کوشش در راه درک ارتباط آثار ادبی
- ❖ پیدا کردن نظم و قانون در بین آثار ادبی
- ❖ - آیا هر اثر ادبی برای خود وجود مجزا و مستقلی دارد و یا می توان بین گروههایی از آنها ارتباط و تشابهی یافت؟

## عنوان های درس انواع ادبی :

### ❖ کلیات

- ❖ بخش اول - انواع ادبی اصلی قدیم (۱- حماسه ۲- غنا ۳- تراژدی ۴- کمدی)
- ❖ بخش دوم - انواع جدید
- ❖ بخش سوم - انواع دیگر ادبی
- ❖ بخش چهارم - قوالب شعری

## کلیات :

- ❖ انواع ادبی چیست؟
- ❖ سابقه ی انواع ادبی
- ❖ نظریات مختلف در طبقه بندی کردن آثار ادبی

## انواع ادبی چیست؟

❖ تعریف:

❖ انواع ادبی یکی از شاخه های بسیار مهم ادبیات است و مانند **سبک شناسی** و **نقد ادبی** یکی از اقسام جدید علوم ادبی است.

❖ موضوع اصلی آن طبقه بندی کردن آثار ادبی از نظر **ماده** و **صورت** در گروه های **محدود** و **مشخصی** است.

# در علم انواع ادبی چه موضوعاتی خوانده می شود؟

❖ ۱- در علم انواع ادبی، از طبقه بندی کردن بر حسب ویژگی های آثار ادبی بحث می شود.

❖ ۲- آیا انواع ادبی ثابت می مانند یا دستخوش تغییر می شوند .

❖ ۳- چرا فلان اثر ادبی در صورت و قالب فلان نوع ادبی قرار گرفته است..

❖ ۴- تاریخچه ی پیدایش انواع ادبی و سیر آنها در ادبیات فارسی چگونه بوده است.

- ❖ ۵- کدام یک از انواع ادبی **زودتر** به وجود آمده است.
- ❖ ۶- **تجدید حیات** در ادبیات چگونه صورت می گیرد.
- ❖ ۷- آیا همه ی انواع ادبی در نزد **همه ی اقوام** وجود داشته است.
- ❖ ۸- آیا می توان همه ی آثار ادبی را به سهولت تحت **انواع مشخصی** طبقه بندی کرد.

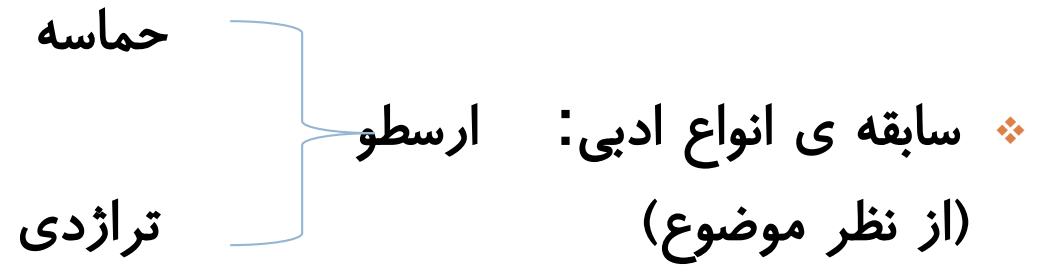


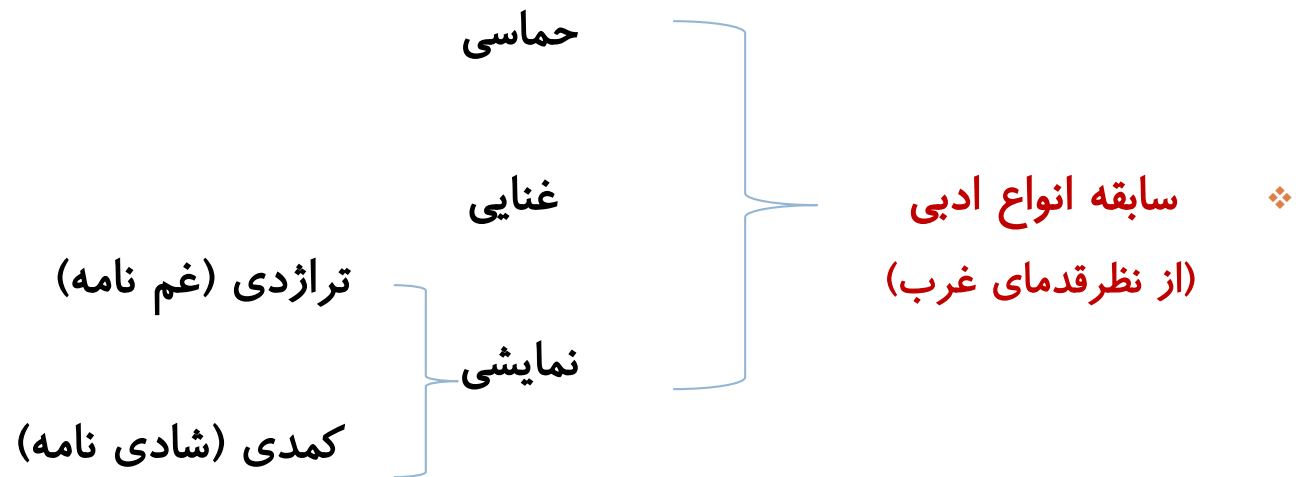
## سابقه‌ی انواع ادبی:

❖ سابقه‌ی انواع ادبی:  
(از نظر موضوع)

حماسه  
تراژدی

ارسطو





❖ تا دوره ی رنسانس (قرن ۱۸) = این تقسیم بندی انواع ادبی ثابت بود.

## ❖ انواع ادبی معاصر:

- ❖ داستان بلند
- ❖ داستان کوتاه
- ❖ بیوگرافی
- ❖ خاطره نویسی
- ❖ ادبیات کودکان
- ❖ ادبیات زنان
- ❖ ادبیات .....

# نظریات مختلف در طبقه بندی آثار ادبی:

اگر اثر ادبی = با وضوح و روشنی داستانی را بیان کند (نوع حماسه) است.

❖ طبقه بندی «گوته»: - اگر اثر ادبی = از شور و هیجان منبع می گیرد (نوع غنایی) است.

اگر اثر ادبی = کاری شخصی و فردی را تجسم می دهد (نوع درام) است.

- نمایشی

- پهلوانی

- هجایی

- غنایی

❖ طبقه بندی نورتروپ (کانادایی)

# طبقه بندی انواع ادبی در ایران:

- ❖ ۱- غنایی (نسیب و تشبیب)
- ❖ ۲- حماسی (مفاخره و مدح)
- ❖ ۳- هجایی (طنز و هجو)
- ❖ ۴- روایی (وصف)
- ❖ ۵- تعلیمی (حکمت و اخلاق)

# بخش اوّل - انواع ادبی اصلی قدیم

❖ فصل اول : حماسه

❖ فصل دوم : غنا

❖ فصل سوم : دراماتیک

۱- تراژدی

۲- کمدی

## فصل اول: حماسه

❖ - تعریف لغوی حماسه :

حماسه به معنی دلاوری و شجاعت است.

❖ تعریف اصطلاحی :

حماسه شرح تاریخ قبل از دوران تاریخی است. گزارشی است از اوضاع روزگاران نخست، و روزگار مردمان نخستین را ترسیم می کند. (مانند: ایلیاد و اودیسه، گیل گمش، رستم و سهراب)



❖ **تعریف حماسه (از دیدگاه لامارتین):** « حماسه شعر ملل است به هنگام طفولیت ملل، آنگاه که تاریخ و اساطیر، خیال و حقیقت به هم آمیخته، و شاعر مورخ ملت است.»

## ویژگیهای حماسه های قدیم:

❖ حماسه های قدیمی بیشتر به صورت }  
۱. منظوم (شعر)  
۲. شفاهی (سینه به سینه)

❖ مثال: داستان رستم و سهراب تا عصر فردوسی شفاهی بود (فردوسی آن را مکتوب کرد)

TW  
TeleWebion



بنام حسن داد او بند جا و حرد

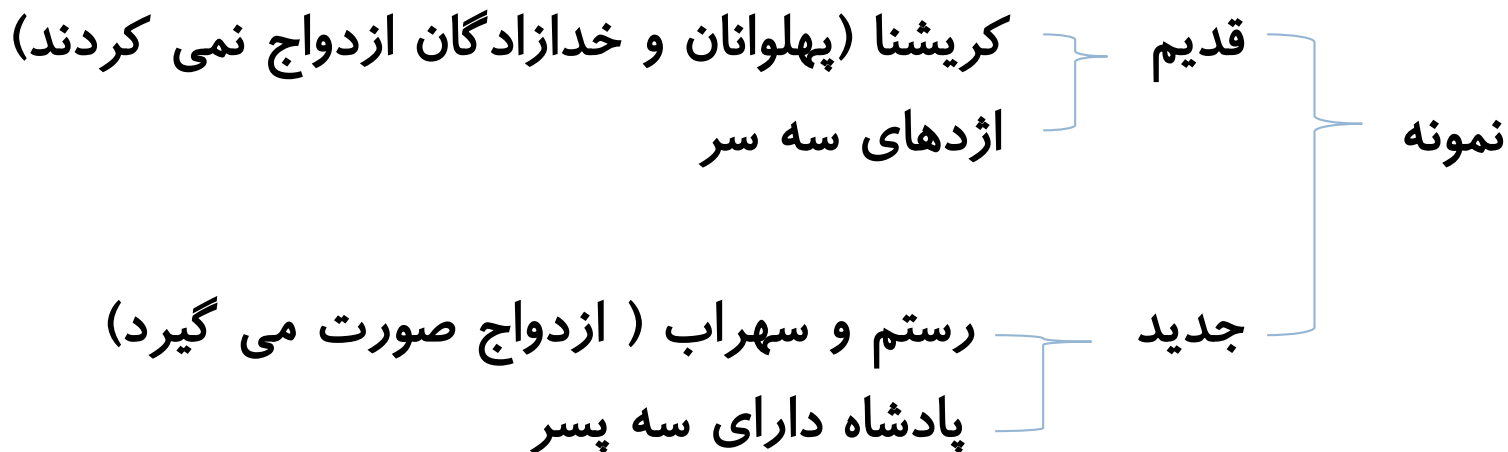
❖ فردوسی برای نوشتن حماسه رستم و سهراب و شاهنامه از چه کسانی استفاده نمود ؟

❖ ۱- از موبدان (روحانیان زرتشتی)

❖ ۲- دهقانان ( یعنی ایرانیان اصیل)

❖ کدام حماسه ها اصیل ترند، قدیم یا جدید ؟

❖ حماسه های **قدیمی** اصیل ترند، زیرا حماسه ها هرچه جدیدتر مکتوب شده باشند، بیشتر تغییر کرده است.



## انواع حماسه :

- ۱- حماسه های سنتی
  - ۲- حماسه های تاریخی
  - ۳- حماسه های متأخر
- ❖ الف - تقسیم بر حسب قدمت

❖ ۱- حماسه های سنتی (ابتدایی، نخستینه، شفاهی):

❖ این حماسه ها در زمان های قدیم صورت گرفته اند و از اصیل ترین انواع حماسه اند، چون در متون آن دخالت نشده است (ایلیاد و اودیسه ، گیل گمش).

## ❖ ۲- حماسه های تاریخی ( مکتوب یا ادبی)

❖ بر مبنای حماسه های قدیمی ساخته شده اند، یا آزادانه ابداع کرده اند، اما ملاک و معیارهای حماسه در آن رعایت شده است (آنه ئید ویرژیل بر اساس ایللیاد و اودیسه) .



## ❖ ۲- حماسه های متأخر (از روی حماسه های ثانوی):

❖ در ادوار متأخر بر اساس حماسه های ثانوی ساخته شده است (رستم و سهراب ماتیو آرنولد انگلیسی بر اساس رستم و سهراب شاهنامه).

## ب - تقسیم حماسه بر حسب موضوع :

- ❖ ۱- حماسه های اساطیری
- ❖ ۲- حماسه های پهلوانی
- ❖ ۳- حماسه های دینی
- ❖ ۴- حماسه های عرفانی
- ❖ ۵- حماسه ی طنز و مسخره
- ❖ ۶- حماسه ی دروغ

## ۱- حماسه های اساطیری:

- ❖ بر مبنای اساطیر ساخته شده است.
- ❖ قدیم ترین و اصیل ترین نوع حماسه است.
- ❖ مربوط به دوران قبل از تاریخ است.
- ❖ نمونه : گیلگمش ، بخش اول شاهنامه ، ایلید و اودیسه، رامایانا و ...

## ۲- حماسه های پهلوانی

- ❖ از زندگی پهلوانان سخن می گوید.
- ❖ ممکن است جنبه ی اساطیری داشته باشد (رستم در شاهنامه)
- ❖ و ممکن است جنبه ی تاریخی داشته باشد (ظفرنامه ی حمدالله مستوفی)
- ❖ قهرمان ، یک پهلوان مردمی و ملی است.

## ۳- حماسه های دینی

- ❖ قهرمان آن یکی از رجال مذهبی است.
- ❖ بر اساس اصول یکی از مذاهب ساخته می شود.
- ❖ مانند : کمدی الهی دانته ، خاورنامه ی ابن حسام، اردیبهشت نامه ی سروش
- ❖ حماسه ی دینی ، اخلاقی ، و فلسفی یکی محسوب می شوند.

## ۴- حماسه های عرفانی

- ❖ خاص ادبیات فارسی است.
- ❖ شکست دیو نفس و رسیدن به جاودانگی و فنا فی الله.
- ❖ مانند : حماسه ی منصور حلاج ، منطق الطیر عطار

## ۵- حماسه ی طنز و مسخره

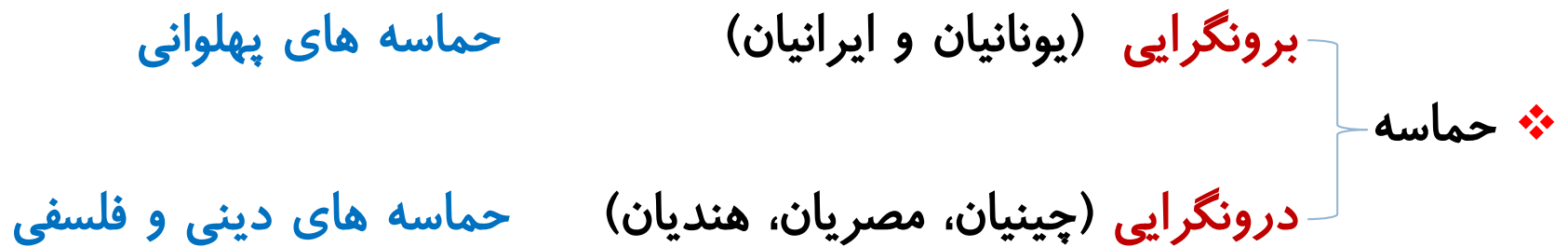
- ❖ بر مبنای زندگی امروزم مردم ساخته شده است.
- ❖ در ادبیات فارسی ، قهرمان یک « پهلوان پنبه » است.
- ❖ مانند : دایی جان ناپلئون / از ایرج پزشکزاد ، دن کیشوت سروانتس.

## ۶- حماسه ی دروغ

- ❖ قهرمان آن ، یک پهلوان دروغین است.
- ❖ مانند: داستان های منظوم و قصاید غزایی که در باب رشادتها و جنگهای پادشاهان حقیر سروده شده است.



## ج - تقسیم حماسه بر حسب نگرش:



## ۱- ادبیات سانسکریت :

❖ الف - **مهابهاراتا** : نوشته ی صدها شاعر است، توسط « **ویاسا** » جمع آوری شده است.

زمان : ۲۰۰۰ سال قبل از میلاد تا ۲۰۰۰ سال بعد از میلاد.

موضوع : شرح پهلوانی ها و پیروزی های رجال مذهبی (مانند کریشنا)

❖ ب - **رامایانا** : « **والمیکی** » آن را سروده است.

زمان : قرن سوم قبل از میلاد.

موضوع : سرگذشت « **راما** » یکی از خدایان هند.

## ۲- ادبیات یونان :

❖ **ایلیاد** : توسط هومر نوشته شده است.

دارای ۲۴ فصل است.

موضوع : شرح هفته های آخر جنگ های ده ساله ی یونان و تروا است.

❖ **اودیسه** : توسط **هومر** نوشته شده است.

۲۴ سرود دارد.

موضوع : سرگذشت **اولیس** یکی از پهلوانان جنگ تروا است.

❖ ۳- ادبیات رومی :

❖ **آنه اید** : سروده ی ویرژیل است.

❖ زمان : ۷۰-۱۹ قبل از میلاد.

❖ موضوع : درباره ی جنگ روم و کارتاژ و سرگذشت **آنه آس** جد افسانه ای رومی هاست.

## ۴- ادبیات عرب :

الف - الحماسه ی ابو تمام : ۲۳۱- ۱۸۸ ق

❖ فقط باب اول از ده باب کتاب عنوان حماسه دارد.

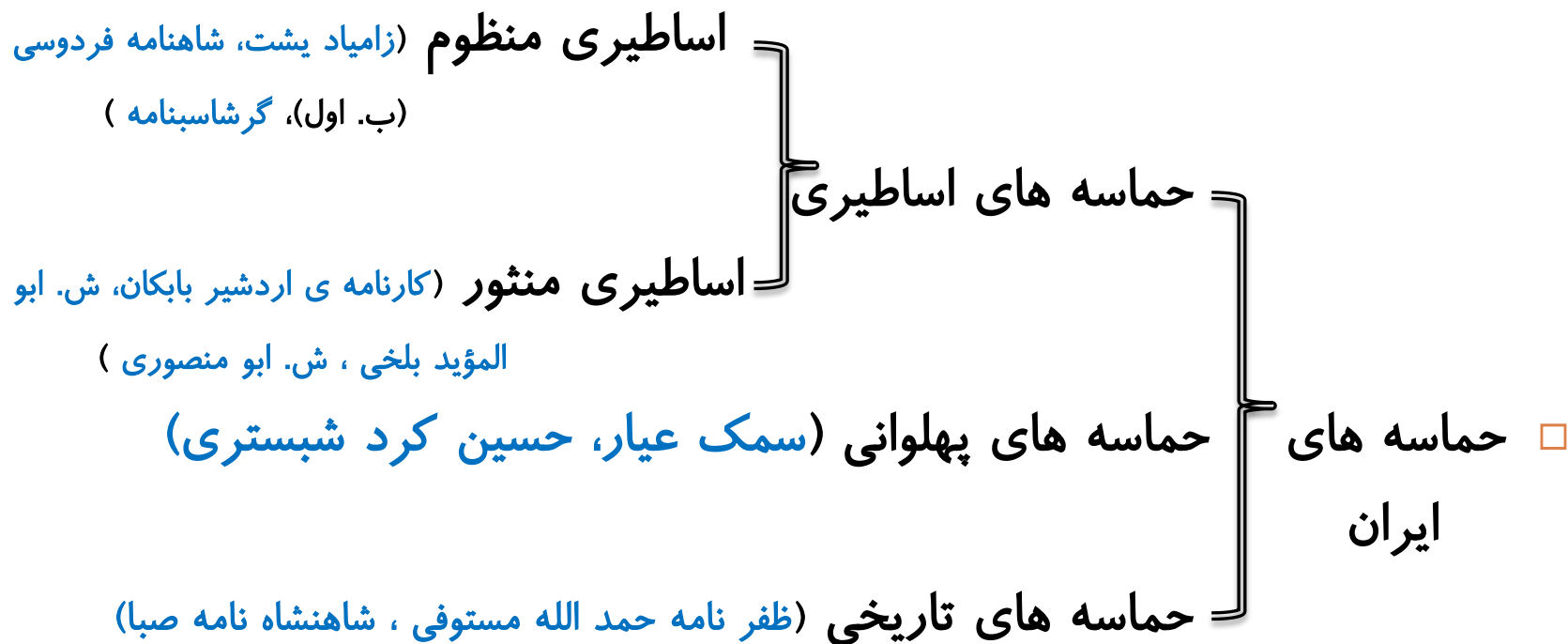
❖ موضوع : در هر باب قصاید و قطعاتی از شاعران جاهلی و اسلامی بر گزیده شده است.

ب - الحماسه ی بحتری : ۲۸۴- ۲۰۶ ق

❖ موضوع : در هر بابی اشعاری انتخاب شده است.

❖ عرب ها منظومه های بلند حماسی ملی نداشته اند.

## ۵- ادبیات فارسی :



## ۶- ادبیات اروپایی:

- ❖ فرانسه : سرود **رولان** (قرن ۱۱ م) در مورد رولان قهرمان است.
- ❖ انگلیسی : الف - **بیو ولف** (قرن ۸ م) کشتن غول های دریایی واژدها به دست قهرمانان.  
ب - **بهشت گمشده** ، که قهرمان آن حضرت آدم است. (۱۷م) اثر میلتون.
- ❖ آلمانی : سرود **نیبلونگن** (۱۲ م) از شاعری نا معلوم و قهرمان آن زیگفرید روئین تن است.
- ❖ ایتالی : **کمدی الهی** دانته (قرن ۱۳) سفری در دوزخ و اعراف و بهشت است.







## چند اصطلاح دربارهٔ حماسه های اساطیری و پهلوانی:

### ❖ ۱ - اسطوره :

❖ اسطوره مطالبی است که **ژرف ساخت** آن حقیقت و تاریخ (البته در عصر مردمان کهن) و **روساخت** آن افسانه باشد.

❖ می توان گفت اسطوره همان **مذاهب منسوخ** ملل قدیم است که امروزه کسی به صورت **خودآگاه** بدانها اعتقادی ندارد، اما به صورت **نا خود آگاه** در بسیاری از رفتار و پندار ما مؤثر است.

❖ کار و وظیفه داستان های اساطیری در روزگار قدیم :

❖ کار این داستان ها این بود که توضیح دهد چرا جهان به وجود آمده است؟

❖ فلسفه اموری که اتفاق افتاده اند چیست ؟

❖ برای آیین و رسوم اجتماعی ، دلیل و توجیهی عرضه کنند.

## ❖ ۲- روئین تنی :

❖ روئین تن کسی است که هیچ حربه ای بر او اثر ندارد. نیروهای ما فوق طبیعی او را شکست ناپذیر کرده اند. و فقط یک جای بدن او روئینه نیست، یعنی یک نقطه ضعف و نقص دارد.

□ آشیل: (یونان)

□ زیگفرید: (حماسه آلمانی)

□ بالدر: (اسکاندیناوی)

□ اسفندیار: (حماسه ایران) - ببر بیان رستم - آب حیات

## ❖ ۳- خونخواری:

❖ قهرمانان پس از کشتن دشمن، خون او را می نوشیدند تا نیروی او را به خود منتقل کند (گویی خون را همان روح یا ناقل روح می دانستند).

## ❖ نمونه ها :

❖ - در انجیل نوشیدن شراب به نوشیدن خون مسیح تشبیه شده است.

❖ - هند جگرخوار (پهلوی حمزه می شکافد)

❖ - رستم ، جگرگاه سهراب را می شکافد

## ❖ ۴- نام پوشی (کتمان نام) :

❖ به اعتقاد اقوام کهن، اسم معرف کامل مسمی است، اگر کسی اسم کسی را بداند به این معنی است که او را به درستی می شناسد و بر او تسلط دارد. **(به همین دلیل در حماسه پهلوان اسم خود را نمی گوید).**

## ❖ نمونه ها :

- ❖ - خداوند هزار و یک اسم دارد و یکی از آنها اسم اعظم است .
- ❖ - رستم نام خود را به سهراب نمی گوید.
- ❖ - در جنگ رستم با اشکبوس تورانی هم رستم نام خود را به او نمی گوید.

## مختصات حماسه :

❖ ۱. موضوع حماسه غالباً **جنگاوری** ، **بهادری** و **شهسواری** است.  
(انگیزهٔ جنگها ممکن است والا باشد یا غیر والا)

❖ ۲. در حماسه ، **حیوانات** نقش های بزرگی دارند.  
(رخش رستم، سیمرغ و طاووس و ...)

❖ ۳. قهرمان حماسه موجودی **ما فوق طبیعی** است. (از خدا زادگان است ، نیمه الهی و شکست ناپذیر است، عمر دراز قهرمانان و... )

❖ ۴. قهرمان حماسه **جانور مهبی** را به قتل می رساند.  
(گیلگمش، رستم و اسفندیار در هفت خوان ها)

❖ ۵. **گیاهان عجیب** که خواص جادویی دارند.  
(گیلگمش = گیاه جاودانگی، گیاه سیاوشان = خاصیت دارویی ، حماسه آدم و حوا و گیاه ممنوعه و...)

۶. نیروهای **متافیزیکی (غیبی)** در حماسه نقش دارند. (قهرمان با خدا در ارتباط است و با او سخن می گوید)



❖ ۷ ایزد بانو عاشق قهرمان می شود اما قهرمان به عشق او جواب نمی دهد.  
(عاشق شدن ایشتر به گیل گمش، عشق تهمینه به رستم، عشق سودابه به سیاوش)

❖ ۸ قهرمان حماسه، قهرمانی قومی و نژادی و ملی است (آدم ، آشیل ، رستم)

❖ ۹- وجود دیوان و غولان و جادوان و... در حماسه . (اسفندیار = زن جادو//  
رستم = دیو سپید // حماسه های عرفانی = دیو نفس )

❖ ۱۰. اعمال قهرمان حماسه **خارق العاده و غیر طبیعی** است. موجب لذت و قبول خاطر است (رفتن گیلگمش به دنیای مردگان).

❖ ۱۱. قهرمان حماسه با **ضد قهرمان** مواجه است. رستم = افراسیاب ، اهورامزدا = اهریمن ، مسیح = دجال و ...

❖ ۱۲. قهرمان حماسه به **سفرهای مخاطره آمیز** می رود. دشواری های هفت خوان ها، در حماسه های عرفانی = هفت وادی سیر و سلوک ، داستان شیخ صنعان و ...

## قدیمی ترین حماسه جهان:

### □ ۱- گیل گمش:

- ❖ - **گیل گمش**: قدیمی ترین حماسه یی که امروزه در دست است ، حماسه **سومری** **گیل گمش** است،
- ❖ که در حدود **سه هزار** سال قبل از میلاد پدید آمد.
- ❖ قهرمان آن کسی است به نام **گیل گمش** ، او پادشاه ستمگر و جبار سرزمین **اِرِخ** است.
- ❖ خدایان، **انکیدو** را برای شکست او می فرستند، اما با هم دوست می شوند و نیکوکار می شود.
- ❖ مرگ **انکیدو** او را دگرگون می کند و به دنبال **جاودانگی** میگردد، از این کار نا امید می شود و سعی می کند با **اعمال نیک** نام خود را جاودانه کند.

## □ ۲- ایلید :

- ❖ - ایلید : دومین حماسه کهن جهان ایلید و اودیسه است.
- ❖ که هم‌ر آن را نوشته و قدمت آنها به حدود هشتصد سال پیش از میلاد می‌رسد.
- ❖ ایلید خاطره‌ هفته‌های آخر جنگ دوم یونان با تروا است.
- ❖ آن چه در این حماسه عجیب است، این است که قهرمان اصلی آن آشیل برخلاف قهرمانان شاهنامه که در مجموع صفاتی مثبت دارند، دارای صفاتی منفی و غیر قابل قبولی است « روی گردانی از لشکر، رفتاری ناشایست با جسد هکتور، قتل عام مردم ».»

## □ سه نکته دربارهٔ حماسه:

الف) بدیع:

❖ آیا در داستان های حماسی احتیاج به صنایع بدیعی هست؟

۱- چون حماسه متضمن خبر بزرگی است ، و داستان به نحوی است که جلب توجه می کند، لذا احتیاج به صنایع بدیعی ندارد.

۲- همچنین صنایع ادبی شعر را لطیف می کند و از سبک حماسی - که باید در آن کلام بدوی و خشن باشد - می کاهد.

## ب). اغراق :

۱- اغراق جزو ذات حماسه و به همراه آن است و یک صفت بدیعی نیست.

۲- چون حماسه جنبه اساطیری دارد و با اعمال محیر العقول (شگفت انگیز) همراه است، بنابر این شرح چنین وقایعی به صورت طبیعی با اغراق و غلو همراه است.

## ❖ . قهرمان حماسه :

❖ در حماسه قهرمان باید **ملی** باشد، در غیر این صورت حماسه جایگاه واقعی خود را نخواهد داشت. «اسکندر نامه نظامی، شاهنشاه نامه فتحعلی خان صبا».

## فصل دوم: ادب غنایی

❖ ادب غنایی : اشعاری است که احساسات و عواطف شخصی را بیان می کند.

❖ - در اکثر نقاط جهان اشعار عاطفی و عاشقانه و سوزناک با موسیقی همراه بوده است، در یونان باستان نیز این گونه اشعار را با سازی به نام لیر نواخته می شد، و از اینرو غربی ها لیریک می گویند.

❖ - در ایران به تبع عرب ها که آن را الشعر الغنایی می گویند، به ادبیات غنایی ترجمه کرده اند.



❖ شعر غنایی در دو معنی به کار می رود:

❖ - بیان احساس و عواطف شخصی

❖ - اشعار عاشقانه

❖ - در ادبیات اروپا شعر غنایی به شعری گفته می شود که کوتاه و غیر روایی باشد و گوینده فقط احساسات خود را بیان کند.

❖ در شعر فارسی، ادب غنایی به صورت داستان بلند، مرثیه، مناجات، بـث شکوی و گلایه و تغزل در قالب های غزل مثنوی و رباعی مطرح می شود.

## ❖ منشأ ادب غنایی :

❖ - منتقدان اشعار عاشقانه را به روابط مرد زن در **دوران مادر سالاری** مربوط کرده اند. و اشعار عاشقانه را همان **ستایشها و اوراد و اذکاری** دانسته اند که مرد برای زن حاکم بر جامعه می سرود.

❖ - اوج رواج ادب غنایی مربوط به گسترش **تمدن و ایام شهرنشینی** است. از اینرو غنا نسبت به حماسه متأخر است.

❖ **فرق بین ادبیات حماسی و غنایی:**

❖ در ادبیات حماسی نگاه شاعر جنبه **درونی و عاطفی** نداشته است، و در ادبیات غنایی نگاه درونی شاعر به جهان است.

❖ - ادب حماسی مربوط به دورانی است که بشر **زندگی گروهی** داشته است، اما ادب غنایی مربوط به دورانی است که بعد از شکل گرفتن شهرنشینی، بشر خود را در **تضاد با اجتماع و قوانین** یافته است.

❖ در ادب حماسی [ و دراماتیک ] شاعر در داستان تصرف نمی کند اما در شعر غنایی، شاعر امیال و آرزوهای خود را در قصه دخالت می دهد. [نظامی در داستان خسرو و شیرین]

## ❖ ادبیات غنایی در ایران:

❖ تا قرن ششم شعر عاشقانه و بیان عواطف با دیدی حماسی مطرح بود.

❖ از قرن ششم و بعد از پیدایش تغزل و عرفان ادبیات غنایی به معنی راستین خود رواج می یابد.

❖ از آن زمان (قرن ششم) تا کنون مهمترین نوع ادبی را تشکیل می دهد.

❖ ادبیات غنایی داستانی:

❖ ادبیاتی است که یک داستان بلند عاشقانه را روایت میکند. در ادبیات فارسی چندین منظومه داستانی وجود دارد ، مانند: (ویس و رامین، لیلی و مجنون، خسرو و شیرین و ....).

## ❖ ویژگی های سبک غنا :

❖ چون غزل فارسی در سبک عراقی است به همین دلیل:

❖ - زبان ادب غنایی پر از صناعات بدیعی و تشبیه و استعاره و مجاز است.

❖ - لغات نسبت به سبک خراسانی نرم تر است.

❖ - در صد لغات عربی زیادتر است.

❖ - از لحاظ فکری مسائل درونی مطرح می شود.

❖ - شعر غم گراست نه شادی گرا.

❖ - شعر عشق گراست نه عقل گرا.

❖ - بیشتر از قالب های غزل و مثنوی و رباعی استفاده شده است.

# فصل سوم: ادب دراماتیک یا نمایشی

تراژدی (یا غمنامه)

کمدی (یا شادی نامه)

❖ ادب دراماتیک



❖ - تراژدی: نمایش اعمال مهم و جدی یی است که در مجموع به ضرر قهرمان اصلی تمام می شود.

❖ - کمدی: اثری است که در آن مواد و مصالح به نحوی تنظیم شده باشد که توجه بیننده را جلب کنند و باعث سرگرمی شوند.

❖ [شخصیت قهرمانان و شکستهایشان بیشتر جنبه شادی و سرگرمی دارد]

# ۱. تراژدی

□ عناصر (یا عوامل) تراژدی از دیدگاه ارسطو :

۱. هسته داستان یا **Plot** ، که ترتیب منظم حوادث و اعمال است.
۲. **قهرمانان و اشخاص Character** ، که بازی کنان نمایشنامه باشند.
۳. **اندیشه ها**، که حرف های قهرمانان یا نتایج اعمال آنان است.
۴. **بیان یا گفتار**، که کاربرد کلمات در تراژدی است.
۵. **آواز کر**، آوازی که دسته های همسرایان در تراژدی می خوانند.
۶. **وضع صحنه** ، که مربوط به صحنه آرایبی و صحنه سازی است.

## تفاوت بین تراژدی و حماسه :

- ۱. حماسه وزن واحدی دارد اما وزن در تراژدی گوناگون است.
- ۲. شیوه بیان حماسه نقل و روایت است ولی در تراژدی فعل و عمل.
- ۳. تراژدی کوتاه است اما حماسه از حیث زمان محدود نیست.
- ۴. اغراق در حماسه بیشتر است.
- ۵. در تراژدی حتماً کاتاستروف یعنی فاجعه هست حال آنکه در حماسه چنین نیست.

## فرق بین تراژدی و داستان :

- ۱. تراژدی جنبه نمایشی(عملی) دارد، اما داستان فقط بیان(روایی و نوشتاری) است.
- ۲. در تراژدی نویسنده از قبل موضوع را می داند، در داستان قهرمان در خلال داستان وضعیت را اندک اندک روشن می کند.
- ۳. در تراژدی جبر سرنوشت و ترس و ترحم است، در داستان می تواند چنین نباشد.

- ۴- در داستان اندیشه های فردی قهرمان مطرح می شود، در تراژدی جنبه کلی دارد و یک اندیشه کلی را مطرح می کند.
- ۵- در تراژدی یک انسان بزرگی بر اثر یک اشتباه کوچک تیره بخت می شود، اما چنین طرحی در داستان اجباری نیست.
- ۶- شخصیت ها در داستان می توانند تغییر کنند، حال آن که در تراژدی قهرمان تغییر نمی کند.

## ۲. کمدی

❖ منتقدان فرهنگی کمدی را به اقسام زیر تقسیم کرده اند:

- ❖ کمدی رمانتیک [حوادث عشقی]
- ❖ کمدی طنز [اخلاقی و اجتماعی]
- ❖ کمدی رفتار [اعمال زشت طبقه اشراف و بزرگ زادگان]
- ❖ کمدی فارس [شخصیت های بزرگ شده یا کوچک شده در موقعیت های خنده آوری قرار می گیرند]
- ❖ کمدی عالی یا سطح بالا [باعث خنده روشنفکران می شود]
- ❖ کمدی پست یا سطح پایین [شوخی های مبتذل و جوک های زشت]

# بخش دوم: داستان

## تعریف داستان بلند:

- داستان یا ناول یک اثری ادبی روائی است که به شیوه نثر نوشته شده باشد و مبتنی بر جعل (خیالی - افسانه ای) باشد.
- اگر دراز باشد، به انگلیسی به آن ناول و اگر کوتاه باشد به آن داستان کوتاه (short story) گویند.

□ داستان کوتاه :

□ داستان کوتاه که در انگلیسی (short story) و در فرانسه نوول می گویند، روایتی است که به نثر و چندان بلند نباشد و خیلی از ویژگی های داستانهای بلند را دارند.



## □ ویژگی های داستان های دهه های اخیر:

- بازگشت به اصل (در باب سرنوشت خود نویسنده و نسل و نژاد او).
- وارد کردن انواع جناس ها، طنزها، جوکها در داستانها.
- استفاده از شیوه های منفی (تا عناصر و عوامل سنتی داستان را محو و حذف کنند).
- عدم رعایت قراردادهای ذهنی مخاطب.

## □ انواع رمان از نظر ساخت:

- ۱. رمان حوادث (حوادثی که اتفاق می افتد/ روبنسون کروزئه)
- ۲. رمان شخصیت (اعمالی که قهرمان انجام می دهد/ سمک عیار)
- ۳. رمان نامه یی (بر مبنای نامه هایی که بین قهرمانان و عاشق و معشوق رد و بدل می شود/ خسرو و شیرین)
- ۴. رمان اندیشه (پیام مشخصی را از راه داستان القا می کند/  
□ رمانهای حزب سوسیالیست شوروی)

# انواع رمان بر حسب موضوع:

## ۱- ناول شکل گیری یا ناول تعلیم و تربیت:

موضوع آن توسعه و تکامل ذهن و شخصیت قهرمان است. قهرمان تجربیات مختلفی را پشت سر می گذارد و به ماهیت و نقش خود در جهان پی می برد. (آثار توماس مان)

## ۲- ناول اجتماعی:

در آن تکیه بر تأثیر اجتماع و مقتضیات اجتماعی بر شخصیت قهرمانان و حوادث داستان است. (خوشه های خشم/جان اشتین بک)

## □ ۳- نوول تاریخی :

در این نوع رمان زمینه اثر و شخصیتها و حوادث از تاریخ اخذ شده اند (ایوانوف اثر اسکات).

## □ ۴- نوول محلی:

تکیه آن بر آیین و رسوم و لهجه شهرها و ولایات است. (آثار جلال آل احمد).

## □ ۵- نوول روانی:

در آن از وسایل ذهنی و روانی قهرمانان داستان سخن می رود (امروزه رواج یافته است).

## ویژگی های داستانهای سنتی ایرانی:

۱. داستانهای بلند نیز از نظر ساختار با حکایت فرقی ندارد.
۲. هدف از قصه بیان اندیشه یی عرفانی یا اخلاقی است.
۳. قهرمانان یا بسیار خوبند یا بسیار بد هستند (از واقعیت بدورند).
۴. زبان همه شخصیت ها یکسان است.
۵. بیشتر به اوصاف خارجی اشخاص قصه توجه می شود.
۶. داستان ها معمولا روایتی جدید از یک قصه قبلی هستند.
۷. در داستان های منظوم، هدف هنرنمایی های شعری است.

۸. معمولا پلات ندارند. (نویسنده برای این که خواننده از آغاز، پایان داستان را در نیابد کوششی ندارد).

۹. خواننده از روی عناوین قسمتهای داستان، همه داستان را در می یابد.

۱۰. داستان مدور است (در آخر داستان تکلیف همه افرادی که در آغاز معرفی شده اند روشن می شود).

۱۱. داستان ها معمولا علت و معلولی نیستند.

## نمونه هایی از داستانهای سنتی ایران:

### ۱. وامق و عذرا

نویسنده = قتیلی بخارایی      زمان = سدهٔ دهم

### ۲. ورقه و گلشاه

نویسنده = عیوقی      زمان = سدهٔ پنجم

### ۳. ویس و رامین

نویسنده = فخرالدین گرگانی      زمان = سدهٔ پنجم

□ ۲. خسرو شیرین

□ نویسنده = نظامی گنجوی

زمان = سده هفتم

□ ۵. منطق الطیر

□ نویسنده = عطار نیشابوری

زمان = سده هفتم



## بخش سوم: انواع ادبی فرعی یا روبنایی

### □ مرثیه:

- مرثیه جزو ادبیات **غنائی** است.
- مرثیه یا درباره **مرگ** پادشاه و وزیر و یا یکی از رجال علم و ادب است. (مرثیه فرخی در مرگ سلطان محمود غزنوی)
- و یا درباره فوت یکی از **خویشان** است. (مانند مرثیه فردوسی در مرگ پسرش)
- و یا ممکن است در مورد مرگ نباشد (مانند مرثیه سعدی در مورد **خرابی بغداد** به دست مغولان).

مرثیه بر شاه ابو اسحاق شاه فارس

یاد باد آن که سر کوی توام منزل بود

دیده را روشنی از خاک درت حاصل بود

در دلم بود که بی دوست نباشم هرگز

چه توان کرد که سعی من و دل باطل بود

بس بگشتم که پیرسم سبب درد فراق

مفتی عقل در این مسأله لا یعقل بود

دیدنی آن قهقهه کبک خرامان حافظ

که ز سر پنجه شاهین قضا غافل بود

## □ رثا در نثر:

اگر چه بیشتر مرثی به صورت نظم است اما قطعات رثائی در نثر هم نمونه های زیادی دارد، مانند:

«دریغ آن نوجوان نازنین که پیش از آن که غنچه او به نسیم طراوت تمام بشکفتد از عصفوف تند باد حدثان در خاک افتاد، و نهال عمر او که در چمن روزگار ، از آن رشیق تر درختی و سرسبز تر شاخی نبود، پیش از آن که به ثمار معالی بارور گردد از تف عاصفه مصاعب ، به احتراق انجامید ... و چشمه حیات او ، پیش از آن که عالمی را از تشنگی ارتوا بخشد به خاشک ممات مکرر گشت»

(التوسل الی الترسل)

## □ مفاخره :

□ و آن شعری است که شاعر به وصف کمالات و فضائل خود می پردازد (مانند مفاخرات خاقانی و نظامی)

□ مفاخره از فروع حماسه است و چنان که قبلاً گفته شد در حماسه معمولاً پهلوانان در مفاخره، شروع به «رجزخوانی» می کنند.

سخن از من آفریده چو فتوت از مروت  
هنر از من آشکارا چو طراوت از جوانی  
به قیاس شیوه من که نتیجه نو آمد  
همه طرحهای تازه کهنست و باستانی  
متفاخرم بدین فن به جهان و چون نباشم  
نکتی بدین لطیفی سخنی بدین روانی

«نظامی»

## □ مناظره

□ در مناظره بین دو چیز بر سر برتری و فضیلت خود بر دیگری نزاع و اختلاف لفظی درمیگیرد و هر یک با استدلالاتی خود را بر دیگری ترجیح می نهد و سرانجام یکی مغلوب یا مجاب می شود.

- اولین شاعر مناظره پرداز : اسدی طوسی
- مانند: مناظره آسمان و زمین، مغ و مسلمان، نیزه و کمان، شب و روز
- از شاعران معاصر «پروین اعتصامی» به مناظره توجه کرده است.

نشیده ای که زیر چناری کدو بنی  
بررست وبر دوید بروبر، به روز بیست  
پرسید از آن چنار که تو چند روزه ای  
گفتا چنار سال مرا بیشتر ز سیست

« ناصر خسرو »



## □ شهر آشوب

□ شهر آشوب از فروع هجو است و آن شعری است که در هجو یک شهر و نكوهش از مردم آنجا باشد .

□ قدیم ترین شهر آشوب از مسعود سعد سلمان است.

□ رواج عمده شهر آشوب در دوران صفوی بوده است.

□ فتوحی در هجو بلخ گفته است:

بلخ شهری است در آگنده به اوباش و رنود  
در همه شهر و نواحیش یکی بخرد نیست

□ به نام انوری معروف شده بود، لذا از طرف مردم بلخ مجازات  
شد.

قصیده خاقانی در مورد آب و هوای شهر «ری» :

از خاص و عام ری همه انصاف دیده ام  
جور من است از آب و گل جان گزای ری

ری در قفای جان من افتاد و من به جهد  
جان می برم که تیغ اجل در قفای ری

دیدم سحرگهی ملک الموت را که پای  
بی کفش می گریخت ز دست و پای ری

## □ پارودی :

- پارودی که برخی آن را نقیضه و برخی نظیره طنزآمیز خوانده اند.
- شعری است که به تقلید شعر دیگری گفته شده باشد اما مبتنی بر طنز و هزل باشد. (شعرهای اطعمه و اشربه / بوسحاق)

- نمونه پارودی:
- نیما در شعر «اندوهناک شب»:
- هنگام شب که سایه هر چیز زیر و روست
- دریای منقلب
- در موج خود فروست
- هر سایه رمیده به کنجی خزیده است
- سوی شتابهای گریزندگان موج
- بنهفته سایه یی
- سر برکشیده ز راهی ...

□ پارودی صادق هدایت تحت عنوان فرحناک روز:  
هنگام روز سایه هر چیزی مختلفی است  
و در اطاق  
از رنگهای تلخ که بویی دهند تند  
بس غول ها  
خیلی بلند بالا  
از دور می رسند چو موجی ز کوهها  
تا  
فریاد بر کشند.

□ حبسیه :

□ حبسیه: از فروع ادب غنایی است و در آن شاعر اندوه و رنج خود را از زندان توصیف می کند.

□ حبسیه بیشتر از موضوعات شعری است تا از انواع ادبی.

□ نخستین و بیشترین حبسیه ها در دیوان مسعود سعد سلمان دیده می شود.

□ خاقانی و ملک الشعراء بهار هر کدام چند تا حبسیه زیبا دارند.

## شعر زندان نای:

نالم به دل چو نای من اندر حصار نای  
پستی گرفت همت من زین بلند جای

آرد هوای نای مرا ناله های زار  
جز ناله های زار چه آرد هوای نای

گردون به درد و رنج مرا کشته بود اگر  
پیوند عمر من نشدی نظم جانفزای

نه نه ز حصن نای بیفزود جاه من  
داند جهان که مادر ملک است حصن نای



□ طنز و هزل و مطایبه

□ طنز: نوعی از انواع ادبی است که در آن کسی یا چیزی مورد انتقاد و استهزاء قرار می گیرد.

□ طنز از اقسام هجو است.

□ **فرق بین طنز با هجو:**

□ تفاوت در این است که آن تندی و تیزی و صراحت هجو در طنز نیست.

□ در طنز مقاصد اصلاح طلبانه و اجتماعی مطرح است.

□ محققان بین طنز و کمیک بودن فرق نهاده اند:

□ در کمدی خنده به خاطر خنده مطرح است (خنده هدف است نه وسیله).

□ اما در طنز خنده برای استهزاء کردن است (یعنی خنده وسیله است نه هدف).

- در ادبیات فارسی طنز هم به شعر است و هم به نثر:
- بزرگترین طنز نویس قدیم ایرانی (عبید زاکانی است).
- طنز نویس بزرگ معاصر علی اکبر دهخدا (صاحب چرند و پرند).
- در دوران معاصر به سبک غربیان داستان های بلند مبتنی بر طنز پدید آمده است (مانند آثار طنز نویس معروف ایرج پزشک زاد).

## □ مناجات

□ مناجات از نوع ادبی غنایی است و در آن معمولا با خداوند راز و نیاز می کنند.

□ مناجات در ادبیات فارسی بیشتر به صورت **منثور** است.

□ مشهورترین مناجات نامه از آن خواجه عبدالله انصاری است.

□ مزامیر داود(ع) را نیز نوعی مناجات می دانند.

## بخش چهارم: انواع شعر فارسی از لحاظ قالب

- قصیده
- قصیده یعنی شعری که در آن قصد خاصی باشد و آن قصد در اصل مدح است.
- قصیده قالب رایج و مسلط شعر فارسی از آغاز (اوایل قرن چهارم) تا پایان قرن ششم است و از این تاریخ به بعد غزل اندک اندک جای آن را می‌گیرد.
- قصیده معمولاً از حدود ۱۵ بیت تا حدود پنجاه بیت است، بیت اول آن مصرّع است. مصرع‌های سمت چپ یک قافیه (و ردیف) دارند:
- الف            الف
- ب    الف
- ج    الف

□ غزل :

□ غزل در قرن ششم که قصیده در حال زوال بود پا گرفت و در قرن هفتم ، رسماً جای قصیده را گرفت. معشوق جای ممدوح را گرفت.

□ ابیات غزل معمولاً بین ۵ تا ۱۰ بیت است، مطلع آن مصرّع است. قافیه آن مانند قصیده است:

الف            الف

الف            ب

الف            ج

□ موضوعات اصلی غزل بیان احساسات و ذکر معشوق و شکایت از بخت روزگار است.





❖ نمونه:

نظامی را ره تحقیق بنمای  
زبانی که آفرینت را سراید

❖ خداوندا درِ توفیق بگشای  
❖ دلی ده کو یقینت را بشاید

پایان

الحمد لله رب العالمین